

خان‌ها و شاهان

• مرضیه سلیمانی

نظام زندگی در جامعه‌ی عشایری ایران بر اساس سلسله مراتب اجتماعی متعددی استوار شده و گاه این مراتب تا هفت رده را دربر می‌گیرد. بر اساس همین رده بندی، بین گروه کثیری از خانواده‌های هسته‌ای و کل جامعه‌ی عشایری چنان پیوندی برقرار می‌شود که بقا و موجودیت ایل بدان بستگی دارد. مثلاً ایل بختیاری از چند رده تشکیل می‌شود و این رده‌ها به ترتیب از بالا به پایین عبارتند از: ایل، طایفه، تیره، تش، اولاد، بهون (خانواده).

همچنین در ایل قشقایی سلسله مراتبی بدین شکل وجود دارد: ایل، طایفه، تیره، بنکو (بولوک) و او (خانواده). سایر ایلات ایران نیز سلسله مراتب و رده‌بندی‌های کم و بیش مشابهی دارند که برای پاره‌ای از ایلات کمتر و برای برخی بیشتر است. علاوه بر آن، اصطلاحاتی که برای این گروه‌بندی‌ها به کار می‌رود، در میان ایلات مختلف برحسب گویش‌های محلی خاص آن‌ها متفاوت است. مثلاً در ایل بختیاری برای گروهی مرکب از تعدادی خانواده که با هم دارای روابط خویشاوندی نسبی هستند و در مجموع یک شبکه‌ی خویشاوندی پدرتبار را تشکیل می‌دهند، اصطلاح «اولاد» به کار می‌رود. در حالی که لر‌ها به جای این مفهوم واژه‌ی «دودمو» که همان دودمان فارسی است، قشقایی‌ها «نکو» و عرب‌های خوزستان «بنتم عم»، ترکمن‌ها «اوبه»، بهاروندی‌ها «بووه» و بجاچی‌ها «ایشوم» را به کار می‌برند. معادل این واژه در ایل باصری نیز، همانند بختیاری‌ها، «اولاد» است. در عین حال، در پاره‌ای از ایلات و عشایر ایران واحدهای مذکور لزوماً یک شبکه‌ی خویشاوندی را تشکیل نمی‌دهند. مثلاً در ایل بجاچی «ایشوم» ترکیب ثابتی ندارد و ممکن است از تعدادی خانواده که با هم دارای روابط خویشاوندی هستند تشکیل گردد یا چند خانواده با توافق هم یک ایشوم را به وجود آورند، دام‌های خود را در یک گله گرد آورند و مشترکاً از آن بهره برداری نمایند.

در عشایر ایران سازمان ایلی نظامی است که خانواده‌ی هسته‌ای (زن و شوهری) با واسطه‌ی آن به مجموعه‌ی ایل مرتبط می‌شود و نیز به مدد این سازمان، ایل قادر است وظایف ویژه‌ی خود از جمله جنگ، حفظ امنیت، تقسیم مراتع، کوچ و دامداری را انجام دهد. افزون بر این، همین سازمان است که یگانگی ایل را تضمین می‌کند زیرا یکپارچگی ایل نمی‌تواند تنها بر پایه‌ی وحدت قومی استوار باشد.

سرزمین بختیاری و محال اربعه پیش ازین گویندگانش بود و باشد این زمان خواهی از دانی محال اربعه باشد کجا؟ هست آن لار و کیار و میزدج با گندمان مرکز شعر و سخندانی و دانش بوده است قهقرخ، سامان، بروجن، شهر کرد و جوتقان بختیاری را چو پژمان اوستادانی بود همچنین چون احمدی و افسر شیرین زبان (ایلاتی از چکامه مشفق بختیاری)



■ Khans and shahs: A history Of the Bakhtiari Tribe in Iran

■ Author: Gene Ralph Garthwaite

Publisher: I.B. Tauris, 2009

■ Paperback: 240 Pages, English

عمیقی وجود داشت. عده‌ای همچون سردار اسعد و صمصام السلطنه از جناح ایلخانی به شدت طرفدار مشروطیت بودند و عده‌ای مثل امیر مفخم و سردار جنگ از جناح حاجی ایلخانی از محمدعلی شاه حمایت می‌کردند. اما حلقه‌ی اتصال و جناح میانه‌رو بختیاری افرادی همچون غلامحسین خان سردار محتشم بختیاری و برادران وی، سلطان محمد خان سردار اشجع و علی اکبر خان سالار اشرف از جناح حاجی ایلخانی و خسروخان سردار ظفر از جناح ایلخانی را دربر می‌گرفت.

به هر روی نقشی که بختیاری‌ها در طول تاریخ ایران و به ویژه در دوستان سال اخیر در مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران بر عهده داشته‌اند، نقشی بی‌بدیل و نیازمند تحقیق جدی است. رابطه‌ی بختیاری‌ها با بریتانیا، خوانین بختیاری و امتیاز نفت داری، نقش آنها در جنگ جهانی اول، انقلاب مشروطه، قراردادهایی مثل قرارداد ۱۹۰۹، قرارداد ۱۹۱۲، قرارداد شرکت لینچ، قرارداد شرکت نفت بختیاری، قرارداد شیخ خزعل و خوانین بختیاری، موافقت‌نامه‌ی سفارت بریتانیا و خوانین بختیاری در تهران و روابط خان‌های بختیاری با شاهان و امرا، نشانگر حضور بختیاری‌ها در حوزه‌ها و مناسبات سیاسی و اقتصادی ایران است.

پیرامون این نقش و این اهمیت البته مقالات و کتب متعددی به چاپ رسیده است. در ایران جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج در ایلات و عشایر؛ مطالعه موردی ایل قشقایی، تألیف جلال غلامحسین پور (نشر ایلاف، ۱۳۸۶)؛ مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر اثر حشمت‌الله طیبی (مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۶)؛ زمینه جامعه‌شناسی عشایر ایران، کار مشترک عسگری نوری و علی اکبر نیک خلق و زنان ایل بهمئی؛ مردم‌شناسی خویشاوندی در عشایر، نوشته الویا رستریو و ترجمه جلال الدین رفیع فر عناوینی هستند که در کنار کتابهای نسبتاً قدیمی‌تری مثل نقش قبیله‌های اسکان یافته، کوچ نشین در دوران نوین، اثر تروتسکوی که با ترجمه‌ی مرحوم سیروس ایزدی در سال ۱۳۵۸ و توسط مؤسسه چاپ و نشر بیگوند به چاپ رسید، جغرافیا و تاریخ چهارمجال و بختیاری، تألیف کریم نیکزاد امیر حسینی که در شهریور ۱۳۳۱ در چاپخانه گیتی منتشر شد، کتاب معروف الیزابت مکین رز^۱ - با من به سرزمین بختیاری بیاید - ترجمه مه‌راب امیری، سیری در قلمرو بختیاری، تألیف ایزابلا بی‌شاپ^۲ و ترجمه مه‌راب امیری، تاریخ بختیاری محفوظات سردار اسعد یا تألیف ملک المورخین (۱۳۳۰ م. ق) و تاریخ بختیاری سرهنگ اوژن (دهه‌های ۱۳۴۰ و ۵۰) اجزای مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که در کنار دیگر کتب و مقالات، آثاری پراهمیت در تاریخ، جغرافیا، فرهنگ، سیاست و اقتصاد ایل بختیاری را پدید می‌آورند.

در مغرب نیز پس از اثر فردریک بارث با نام قبایل جنوب ایران^۳ (اسلو، ۱۹۶۴)، زندگی ایلیاتی در کوهستان^۴ اثر همین نویسنده (پاریس، ۱۹۶۲) و گزارش از قبایل بدوی فارس، تألیف آ. جی. کریستین^۵ (سیملا، ۱۹۱۹) که در سال‌های نسبتاً دوری نوشته شده‌اند؛ در سال‌های اخیر و با انتشار اسناد دولتی، پژوهشگران مسئله‌ی بختیاری‌ها را مورد عنایت بیشتری قرار داده و در مقالات تحقیقی و کتب تألیفی خویش بدانها بذل توجه کرده‌اند. به جز آن لمبتون، لرد کرزن، سرجان ملکم، جان فوران، جان استمپل، ریچارد کاتم، فرد

اگرچه در خصوص نحوه‌ی پراکندگی ایلات و عشایر ایران هنوز اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ ایلات و عشایر ایران، به لحاظ توزیع جغرافیایی عبارتند از:

الف) ایلات کهگیلویه و بویراحمد که به سه گروه بزرگ عشایر لر تقسیم می‌شوند: جاک، باوی، آقاجری. هر کدام از این گروه‌ها خود از گروه‌ها و زیرگروه‌های فرعی‌تر تشکیل شده‌اند که توضیح آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد. ب) طیبی‌ها متشکل از ۲۹ طایفه و دارای دو بخش سردسیری و گرمسیری. ج) ایلات کُرد که در دوره‌ی صفوی به خراسان کوچانده شدند و اکنون در قوچان گروهی از کردها زندگی می‌کنند که باچوانلو نام دارند و طایفه‌ی کوچکی از زعفرانلو به شمار می‌آیند.

د) شاهسون‌ها یا ایلسون‌ها. عشایر ترک زبان ایران که از سه دسته‌ی بغدادی‌ها، اینانلویها و فارس‌ها تشکیل شده‌اند و یکی از مهم‌ترین مراکز آن‌ها (در شاخه‌ی شاهسون‌های فارس) روستای مهد آباد شهرستان استهبان است. ه) قشقایی‌ها (قاج قایی‌ها) متشکل از شش طایفه: کشکولی بزرگ، کشکولی کوچک، فارسی‌مدان، عمله، شش بلوکی، و دره شوری.

و) ایلات خمسه، شامل پنج ایل اینانلو، بهارلو، نفر، عرب و باصری که حکومت قاجار جهت مقابله با ایل قشقایی، آن‌ها را سامان بخشید و مورد حمایت قرار داد.

ز) بلوچ‌ها که از طایفه‌های ریگی، یاراحمد زهی، گمشاد زهی، رئیس، مبارکی، بلوچ براهویی، طرابندی، شبیانی، و گاوداران تشکیل شده است.

ح) یچاقچی‌ها؛ ایلات سرزمین کرمان که اغلب آن‌ها از مناطق دیگر بدانجا کوچانده شده‌اند.

ط) بختیاری‌ها. بختیاری‌ها مهم‌ترین ایلات کوچ‌رو در کشور هستند. قلمرو آنان زاگرس مرکزی است و از دو نیمه هفت لنگ و چهار لنگ تشکیل می‌شوند. هفت لنگ‌ها خود به دسته‌های مختلفی مثل دوروکی‌ها، بابادی‌ها، بختیاروندی‌ها و دینارانی‌ها تقسیم شده‌اند.

آنگونه که در کتب تاریخی روایت شده است، چهارمجال و بختیاری در دوره‌ی تسلط اشکانیان و ساسانیان جزء قلمرو حکام آنان بوده است و مسکوکات و حفريات اخیر نیز مؤید همین امر است. پس از خرابی‌ها و تعدی‌های دوران مغول، این منطقه در دوره‌ی صفویه دوباره رو به آبادی گذارد، در زمان افغانه و در سال ۱۱۴۰ م ویران شد، در زمان پادشاهی نادر شاه طوایف بختیاری به اطراف جام خراسان کوچانده شدند و با ورود کریم خان بداندجا و توقف او در چمن گندمان، نزاع‌ها خاتمه یافت، خرابی‌ها آباد شد و بختیاری‌ها در امن و آسایش زندگی کردند. اما در دوره‌ی قاجاریه وضعیت بختیاری‌ها به کلی تغییر کرد. به ویژه آنکه محمد شاه عده‌ای از خوانین بختیاری را به عنوان گروگان و در قالب پیشگیری از اغتشاشات در تهران نگاه داشت و این خوانین در اثر مرآوده با دربار ناصرالدین شاه دوستانی پیدا کردند که موجبات ترقی آنها را فراهم آوردند.^۶

در انقلاب مشروطیت، که در آغاز قرن بیستم در ایران اتفاق افتاد، ایلات و عشایر و به ویژه بختیاری‌ها نقش بی‌مانندی ایفا کردند. اگرچه بر سر تضاد میان مشروطیت و استبداد در میان ایلات مختلف بختیاری نیز اختلافات

در عشایر ایران سازمان ایلی نظامی است که خانوادگی هسته‌ای (زن و شوهری) با واسطه‌ی آن به مجموعه‌ی ایل مرتبط می‌شود و نیز به مدد این سازمان، ایل قادر است وظایف ویژه‌ی خود از جمله جنگ، حفظ امنیت، تقسیم مراتع، کوچ و دامداری را انجام دهد

خان‌ها و شاهان

موجود در آرشیوهای دولتی بریتانیا و یا اسنادی نوشته که خودِ خواین و خانواده‌های بختیاری در اختیار او نهاده‌اند. او می‌گوید رویدادهای کتاب او از قرن چهاردهم میلادی آغاز می‌شوند، اما آن‌چه که وی علاقه بیشتری بدان داشته و بیشتر هم بدان پرداخته است، قرن نوزده و بیست و نقش بختیاری‌ها در اکتشاف و توسعه‌ی صنعت نفت ایران است که نخستین بار توسط ویلیام نوکس دارسی^{۱۷} - پیمانکار بریتانیایی - در سرزمین بختیاری کشف شد. همچنین گارتویت روابط متقابل بختیاری‌ها با دولت و تأثیرات گسترده‌ی پدیده‌های جدید و متکثر جهانی بر ساختار سیاسی و اجتماعی آنها و بررسی این جنبه‌ی پیچیده و در عین حال پر اهمیت تاریخ ایران را در دستور کار خویش قرار داده است. به گفته‌ی او اگر چه ایل بختیاری همواره یکی از جوامع عشایری بسیار مهم در خاورمیانه و یکی از قدرتمندترین ایلات کشور ایران بوده است، غالباً - حتی امروزه - مورد بدفهمی قرار گرفته (مقدمه) و فهم چگونگی ظهور، حفظ و فقدان قدرت در این جامعه‌ی ایلیاتی نیازمند بررسی‌های بیشتری است.

گارتویت معتقد است عموم غربی‌ها با شنیدن نام ایل بختیاری، یا گلیم‌ها و گبه‌های اساطیری آنجا را به خاطر می‌آورند. یا ثریا همسر دوم محمدرضا پهلوی (نوه سردار اسعد بختیاری) و یا حد اکثر شاپور، آخرین نخست وزیر حکومت پهلوی را. اما برای شناخت زوایای مختلف زیست فرهنگی و اجتماعی بختیاری‌ها باید به عقب بازگشت. به کوهستان‌های پیچ در پیچ و خواین مسلح، به نقش کلیدی بختیاری‌ها در خلج محمد علی شاه در سال ۱۹۰۹ و احیای قانون اساسی و به تمامی رویدادهای رخ داده در تاریخ سرزمین بختیاری، به ویژه دویست سال اخیر. (مقدمه)

اسناد، متون، ترجمه‌ها و میکروفیش‌های گارتویت محدوده‌ی زمانی قرن سیزدهم و چهاردهم تا پایان قرن بیستم را دربرمی‌گیرد و تمرکز اصلی او بر رهبری شاخه‌ی دورکی‌خان‌های بختیاری و روابط آنها با دولت‌های ایران و بریتانیا است. او به خوبی می‌داند که فهم تاریخ بختیاری، بدون بررسی و ملاحظه‌ی دقیق دولت ایرانی امکان‌پذیر نیست و نقطه‌ی آغاز مباحث خود را به منطقه‌ی استراتژیکی اختصاص می‌دهد که بختیاری‌ها جهت سکونت و تشکیل گستره‌ی نفوذ خود برگزیده‌اند: کوه‌های زاگرس. و همان گونه که در مورد دیگر قدرت‌های سیاسی جهان، و از جمله ایل قشقایی در جنوب نیز صادق است؛ مناطق استراتژیکی همواره عامل مهمی برای ظهور یک ساختار سیاسی پیچیده بوده‌اند.

هالیدی و در روزگاران نزدیکتر، حامد الگار، پروفیسور جن رالف گارتویت نامی دیگر در فهرست اسامی پژوهشگران غربی است که تاریخ ایران و به ویژه ایل بختیاری را به گونه‌ای خاص مورد توجه قرار داده و از جمله پایان نامه‌ی دکتری خود را در سال ۱۹۶۹ با نام خواین بختیاری و تفرقه ایلی به رشته تحریر درآورده است. این کتاب که بعدها (سال ۱۳۷۳ ه.ش) توسط مهرباب امیری ترجمه شد و از سوی نشر سهند به انتشار درآمد، در غرب هرگز به چاپ نرسید و تنها یک نسخه‌ی ماشین شده‌ی آن با قطع وزیری در ۳۵۵ صفحه در کتابخانه‌ی عظیم کالج ویلیامز ماساچوست موجود است.^{۱۴}

از دیگر آثار گارتویت می‌توان به پل‌سین اشاره کرد که تاریخ شفاهی ایرانیان از دوره کوروش در ۵۵۸ میلادی تا عصر حاضر را دربرمی‌گیرد. نگارش مقالات متعدد در خصوص بختیاری‌ها با عناوینی همچون خان‌های بختیاری؛ دولت ایران و انگلیس (نشریه تاریخ معاصر ایران، زمستان ۱۹۹۹)، یا تألیف برخی فصول کتاب‌هایی پیرامون همین موضوع، مثلاً فصل «بختیاری‌ها و کردها» در کتاب سرحدات روسیه اسلامی تألیف دی. اف. ایکلمن^{۱۵}. یا «ایلات، کنفدراسیون و دولت: بررسی تاریخی ایل بختیاری در ایران» در کتاب روابط ایل و دولت در ایران و افغانستان ۱۹۸۰-۱۸۰۰ اثر آر. ال. تیپر^{۱۶} البته بخشی از حوزه تحقیقاتی گارتویت را در بر می‌گیرد که با تألیف بخش قرن هفدهم تاریخ اسلام کمبریج و نگارش دوگانه‌ی تاریخ بختیاری ادامه یافته است.

کتابی که در اینجا به معرفی آن می‌پردازیم، خان‌ها و شاهان: تاریخ ایل بختیاری در ایران نام دارد که دومین اثر از مجموعه خان‌ها و شاهان و سومین کتاب مستقل گارتویت پیرامون ایل بختیاری است که در سال ۲۰۰۹ به چاپ رسیده است. نخستین کتاب از این دوگانه پیشتر (اگوست ۱۹۸۳) با نام خان‌ها و شاهان: تحلیل مستندی از بختیاری‌ها در ایران، مشتمل بر ۲۲۸ صفحه از سوی انتشارات کمبریج به چاپ رسیده بود و می‌توان حدس زد که احتمالاً اثر سومی هم ذیل همین مجموعه خان‌ها و شاهان باید در راه باشد.

خان‌ها و شاهان: تاریخ ایل بختیاری ۲۸۰ صفحه است و به زبان انگلیسی نوشته شده. گارتویت، استاد تاریخ و مطالعات آسیایی در کالج اولاف و دانشگاه دارتموث نیوهمپشایر، کتاب خویش را در شش فصل اصلی، یک مقدمه‌ی مفید و راهگشا، یک ضمیمه‌ی مهم با عنوان ترجمه‌ی کتابچه، یک کتابشناسی، فهرست جامعی از منابع و مأخذ سودمند، بخشی مشتمل بر تصاویر زیبا و اصیل، یک نمایه مفصل و... تنظیم کرده است. او در ابتدا و در مقدمه کتاب خاطر نشان می‌کند که تمامی روایات کتاب خویش را یکسره برپایه اسناد

در کوچ مورد بررسی قرار گرفته است. از نظر گارتویت، کوچ اساساً تلاشی است برای دسترسی به مراتع بیشتر و همین نشان‌دهنده‌ی نقش عمده‌ی گله و تکیه بختیاری‌ها بر اقتصاد شبانی است. او با تکیه بر سخن آرنولد توین‌بی که ایلات کوچ‌رو را پیشرفته‌تر از کسانی می‌داند که منحصرأ به زراعت اشتغال دارند، عنوان می‌کند که زندگی کوچ‌نشینی ایلات بختیاری در ایران، همواره موجب شکل‌گیری توهمات عجیب و غریب غریبان بوده است. اما کوچ‌نشینی همانند کشاورزی یک حرفه‌ی فنی و تخصصی است که به دلایل متعدد صورت می‌پذیرد؛ مثلاً تاخت و تاز مغول‌ها، کوچ‌نشینی عده‌ای از روستاییان را در پی داشت و حملات اقوام کوچ‌نشین خارجی به روستاییان و کوچ‌نشینان زاگرس باعث شد که عده‌ای از ده‌نشینان به چادرنشینی روی آورند. همچنین عواملی مثل زمین، مکان استقرار، آب، دام، هوا، کوهستان‌های اطراف و... در کوچ‌نشینی و یا تعیین منطقه‌ی کوچ مؤثرند.

به هرروی منشأ و دلیل کوچ‌نشینی هرچه که باشد، نظام کوچ‌نشینی موجبات اتحاد و ادغام یکجانشینان را فراهم آورده و به استفاده‌ی مشترک از زمین منجر می‌گردد و از همین جا نقش خان پررنگ‌تر می‌شود. خان، حاکم ایل، تصمیم‌گیرنده‌ی محلی در امور مربوط به زمین، سیاست و اجتماع و روابط ایل با مرکز (تهران) است. قدرت او البته در ایل نامحدود است اما این قدرت کاملاً به حمایت طوایف از عملکرد او بستگی دارد. حکومت مرکزی با علم به این قدرت، برخی وظایف از جمله جمع‌آوری مالیات و معرفی سربازان نظام وظیفه را برعهده‌ی او گذاشته است.

فصل سوم کتاب «خان‌ها و ساختار ایلیاتی» نام دارد و در سیزده صفحه به ساختار نظام ایلی و خطامشی سیاسی و اجتماعی این نظام می‌پردازد. او می‌گوید: اصطلاحات ویژه‌ای که به وسیله‌ی برخی از خوانین در مورد ساختار

گارتویت پس از ذکر یک پیشینه‌ی مختصر در خصوص لره‌های بختیاری و نیز مردمی که به ایل بختیاری تعلق داشته اما ریشه‌های ترک، عرب و فارس دارند؛ در فصل اول با عنوان «یک بررسی نظری و تاریخی» تحلیل خود را بر گروه‌های خویشاوندمحور بختیاری و گروه‌های متشکل از رهبران سیاسی و اجتماعی آن‌ها متمرکز می‌کند. هویت این قوم، مثلاً ایلخانی‌ها یا حاجی ایلخانی‌ها، که تشکیل‌دهنده‌ی فدراسیون قدرتمند پان بختیاری هستند، در پایان قرن نوزدهم و در مناسبات دولتی و سلطنتی و حتی برکشیدن یا فروکشیدن شاهان نقشی اساسی ایفا کرده است. بادر نظر گرفتن این امر که شاه در ابتدا به ایلخانی‌ها روی خوش نشان داد و به تشویق آن‌ها پرداخت؛ اما در پایان کمر به انهدام و نابودی آن‌ها بست، می‌توان به صحت ادعای گارتویت پی برد. او پیش‌تر در جای دیگری گفته بود: «پژوهشگران غربی در بررسی حوادث دو قرن اخیر ایران نباید تنها بر تأثیر و رابطه‌ی انگلیس و روسیه متمرکز شوند، از نظر او تغییرات رخ داده در کنفدراسیون‌های ایلات بزرگ، به ویژه ایل بختیاری، قطعه‌ی مهم و غالباً فراموش شده‌ی این پازل است»^{۱۸} اقامتگاه زمستانی بختیاری‌ها-خوزستان- با کشف نفت به یک منطقه‌ی سیاسی، اقتصادی و ملی مهم بدل شد. با رسیدن حسین قلی ایلخانی به مقام ریاست ایل و برگرفتن عنوان ایلخان^{۱۹} و ردای افتخار از دست محمدشاه^{۲۰}، پس از سال ۱۸۴۶، ایلات بختیاری به یک کنفدراسیون یا واحد یگانه‌ی سیاسی و اجرایی بدل شدند که در محاسبات سیاسی حکومت مرکزی مورد ملاحظه قرار می‌گرفت.

فصل دوم هفده صفحه است، به وضعیت سوق الجیشی و معیشتی بختیاری‌ها پرداخته و «بختیاری‌ها و کوچ‌نشینی» نام دارد. در این بخش پس از بررسی نظام کوچ‌نشینی، کوچ‌نشینی کنفدراسیون بختیاری و اقتصاد بختیاری



درآمد خوانین بختیاری از محل درآمد املاک و دهات خود و به صورت صدی هشتاد بود. در عین حال ایلخانی (رئیس ایل بختیاری) و ایل بیگی (رئیس یا معاون او) به لحاظ اقتصادی نیز از سوی دولت مرکزی تقویت می شدند. یعنی هرساله حقوق و مستمری دریافت می کردند. وانگهی عوارض راهداری شاهراه بختیاری و حفاظت از مناطق نفت خیز نیز یکی از منابع درآمد خوانین بود.

«بختیاری‌ها و دولت در قرن هجدهم» عنوان فصل چهارم کتاب است که طی آن خواننده با حمله‌ی افغان‌ها به اصفهان، درگیری نادر با بختیاری‌ها در سال ۱۷۳۲، اتحاد دو طایفه‌ی هفت لنگ و چهار لنگ و شورش بر علیه نادر، سرکوب شورش و دستگیری سی تن از خوانین بختیاری؛ ذکر نام یک حاکم بختیاری در تذکره الملوک (یکی از دفاتر دیوانی) که از سال ۱۷۲۵ باقی مانده و اشاره‌ی شارژین به طوایف لرستان از جمله مواردی است که در این بخش پانزده صفحه‌ای مورد توجه گارتویت قرار گرفته است.

فصل پنجم اما سی و چهار صفحه است و «بختیاری‌ها و قرن نوزده» نام دارد. قرن نوزده قرن تغییر و تحول بود و داستان گارتویت در اینجا با پیشنهاد ژنرال سر جیمز اوترام^{۳۲} (سال‌های ۵۷-۱۸۵۶) برای ایجاد تغییر و مذاکره‌ی مستقیم با رؤسای طوایف جنوب آغاز می‌شود که با مخالفت شدید دولت انگلیس مواجه شد. گزارش لرد کرزن در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۸۹۹ و پیشنهاد احداث راه یا راه آهن برای قبایل و طوایف لر بختیاری، جهت پیدا کردن یک جای پا در یک گوشه از قلمرو پادشاهی ایران، فکر ایجاد رابطه بین انگلیس و رؤسای طوایف را در میان انگلیسی‌ها تقویت کرد تا داری در سال ۱۹۰۱ قرارداد ویژه‌ای با خوانین بختیاری امضا کرد و بریتانیا در سال ۱۹۰۵ از خوانینی مثل شیخ خزعل حمایت کند.

در همین قرن نوزدهم، قرارداد جاده‌ی بختیاری یا لینچ در سال ۱۸۹۵ به مرحله‌ی اجرا درآمد و در سوم مارس ۱۸۹۸ منعقد گردید. در این قرارداد، صاحب امتیاز خوانین بختیاری بودند و اختیارات جاده یکسره به برادران لینچ واگذار شده بود. به لحاظ داخلی، قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم، مصادف بود با حکومت قاجاریه. انقلاب مشروطه در آغاز قرن بیستم اتفاق افتاد. سردار اسعد وارد میدان شد، طوایف بختیاری متحد شدند و قرارداد محرمانه‌ی اتحاد برای پیشرفت مشروطیت و آرای ملت را امضا کردند. قرارداد پشت یک جلد قرآن مجید چاپ سنگی نوشته شد و به امضای سردار اسعد و تأیید دیگر مشروطه خواهان رسید. در واقع بخش قابل توجهی از قدرت و رهبری جنبش مشروطیت در خلال سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۰۵ بر عهده‌ی بختیاری‌ها بود و سپهدار اعظم (محمد ولی خان) و سردار اسعد، پیش‌قراولان آن.

انقلاب مشروطه با ورود قوای بختیاری از اصفهان و قم و عقب‌نشینی نیروهای دولتی در ژانویه ۱۹۰۹ به اوج خود رسید. حاجی علی قلی خان سردار اسعد و سپهدار در عمارت بهارستان اقامت گزیدند و به همراه مجتهدین و عده‌ای از اعضای مجلس اول محمد علی شاه را از سلطنت خلع کردند. یک بار سپهدار نخست‌وزیر شد و سردار اسعد وزیر کشور و بار دیگر سردار اسعد وزیر جنگ بود و سپهدار وزیر کشور. پس از آن خوانین بختیاری حاضر در کابینه، اصلاحات متعددی انجام دادند که به تقویت موقعیت بختیاری‌ها



سیاسی و اجتماعی و عنوان‌های گوناگونی که در سطوح مختلف نظام ایلی نوشته شده، با آنچه که به طور شفاهی در بین مردم بختیاری گفته می‌شود، تفاوت دارد. واژه‌ی «ایل» یک اصطلاح ترکی و فارسی است و این کلمه به تمام کنفدراسیون بختیاری اعم از چهارلنگ و هفت‌لنگ اطلاق می‌گردد. از ربع آخر قرن نوزدهم تا سال ۱۹۳۴ رئیس ایل بختیاری، ایلخانی نام داشت و معاون یا دستیارش، ایل بیگی^{۳۱}. این رئیس معمولاً - و برخلاف رسم ترک‌های قاجار و اتحادیه‌ی قشقایی - از طرف دولت مرکزی انتخاب می‌شد. ساختار ایل بختیاری در دو شاخه‌ی چهارلنگ و هفت لنگ از چهار طبقه اصلی تشکیل شده است: طایفه، تیره، تَش و خانواده (اولاد یا کُرَبُو). پس از خان که معمولاً بر تمام یا قسمتی از این دو شاخه فرمانروایی دارد و در غیاب او، سلسله مراتب رهبری بختیاری‌ها از کلانتر (در طایفه)، کدخدا (در تیره) و ریش سفید در تَش) تشکیل می‌شود.

در این نظام، خان واسطه‌ی حکومت مرکزی و ایل بود. خود طوایف هم برای حفظ و حراست منافع خود همواره در پی آن بودند که تحت حمایت یک خان قدرتمند در آیند، حال این خان می‌توانست از تبار همان طایفه بوده یا به طایفه دیگری تعلق داشته باشد. خان همواره از میان یک خانواده‌ی خاص و مشخص انتخاب می‌شد. بی بی بودن مادر، یک امتیاز بود و برادرها و پسرعموها همیشه یک رقیب محسوب می‌شدند. بخشندگی، میهمان‌نوازی، گشاده‌دست بودن، شجاعت، شکار و دلیری در جنگ از عوامل مؤثر در انتخاب یک خان بودند. محافظان و تفنچگی‌های خان را در ایل بختیاری «خانه‌زاد» می‌نامیدند.

منجر شد.

در فصل ششم، نویسنده با بازگشت به «وضعیت بختیاری‌ها پس از سال ۱۸۸۲» موضوع اختلاف و تفرقه‌های داخلی بختیاری‌ها پیش و پس از مشروطه را مورد توجه قرار داده و تأثیر آن بر رویدادهای سیاسی را وامی‌کشد. اتحاد قبایل جنوب (خزعل، صولت‌الدوله، والی) علیه نفوذ بختیاری‌ها در سال ۱۹۱۰، اختلاف خوانین بختیاری با حکومت مرکزی، شورش سال ۱۹۲۹م/۱۳۰۸ه.ش در چهارمحال و بختیاری، تشکیل اتحادیه یا کنفدراسیون بختیاری، اختلاف خوانین بختیاری بر سر امتیاز نفت و تقسیم اراضی، اعدام برخی از خوانین در نتیجه‌ی همین اختلافات و شورش‌ها و نهایتاً فروش اجباری دهات و سهام نفت به رضا شاه در طی سال‌های ۳۹-۱۹۳۸ از دیگر مباحث این فصل است.

تألیف تاریخ بختیاری کار آسانی نیست. اطلاعات مربوط بدانها به‌راحتی به دست نمی‌آید و پژوهشگر گاه در این مورد به بدفهمی و آشفتگی دچار می‌گردد. کتاب گارتویت اما بسیار منسجم است و آن‌گونه که از فهرست منابع و یادداشت‌های آن برمی‌آید، بر اساس کتب و اسناد معتبر به تألیف درآمده است. نمایه‌ی مفصل کتاب، استفاده از آن را ساده‌تر کرده و مقدمه‌ی مختصرش، راه ورود به بحث را هموار کرده است. در عین حال، خواننده در موقعیت‌ها و مناسبت‌های مختلف با آثار دیگر پژوهشگران پیرامون بختیاری‌ها آشنا شده و تحلیل گارتویت در خصوص آنها را دریافت می‌دارد.

اکنون پایان‌بخش این مقال، ترجمه‌ی جستارهایی از نخستین برگ‌های فصل اول کتاب است. سبک نویسنده در این کتاب البته روان است و او در عین طرح مباحث آکادمیک، فهم مطلب را برای خواننده جذاب کرده و رویدادهای مهم تاریخی را داستان‌وار نقل می‌کند:

«تاریخ بختیاری‌ها که زمان آن به قرن چهاردهم میلادی بازمی‌گردد و ایفای نقش رهبری خان‌های دورکی به مدت دویست سال در درون این تاریخ، بر عطش مورخان حوزه‌ی اجتماعی برای دانستن پیرامون ایران، دامن می‌زند. همواره وسوسه‌ی این فرض وجود دارد که تداوم عجیب و غیرمعمول بختیاری‌ها در نام، می‌تواند در ساختار متن سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها نیز وجود داشته باشد. اما مورخ در این مورد به‌ویژه ناکام‌تر می‌ماند، زیرا تا پایان قرن نوزدهم میلادی، این امکان وجود نداشت که با استناد به منابع مقدماتی، یک رویداد سیاسی رخ داده در تاریخ بختیاری را بازسازی نماید و حتی اگر هم امکان این بازسازی وجود داشته باشد، باز هم بخش‌های اصلی این داستان گسسته و ناقص برجای می‌ماند. از سوی دیگر دانشمندان علوم اجتماعی نیز در تلاش برای کسب روایتی کامل در خصوص ساختار اجتماعی ایل بختیاری پیش از روزگاران معاصر ناکام مانده‌اند. نهادهای پایه، رهبری و ارزش‌های ایل بختیاری به واسطه‌ی سرشت پیچیده‌ی این جوامع، شکاف و فقدان منابع و تفاوت‌های موجود بین دریافت‌های درونی و مشاهده‌های بیرونی از ایل بختیاری همچنان پرابهام باقی می‌مانند.

علی‌رغم این مشکلات، می‌توان برای ملاحظات اکتشافی فرضیه‌ای پیش نهاد و آن را در مقابل مثال‌های تاریخی به محک آزمون گذاشت. توانایی‌های اتحادیه‌های قبایلی مستقیماً برای قدرت بخشیدن به یک محرک

خارجی متناسبند. قبایل شبنانی در قالب کنفدراسیون‌ها، بیشترین تأثیر را بر تاریخ گذاشته‌اند و اهمیت اقتصادی آنها در منابع تاریخی یا مورد بی‌توجهی و غفلت قرار گرفته و یا ظاهری و بی‌اساس قلمداد شده است. کنفدراسیون‌ها گروه‌های موقت و غیرمعمولی را تشکیل می‌دادند. سرشت سازمانی اجتماعی - اقتصادی و نیز شبنانی ایلانی، مثلاً در مورد ایل بختیاری، همواره سدّ راه تشکیل اتحادیه‌های ایللی بوده است...»

پی‌نوشت:

- 1 . Doudemu
- 2 . Bonkou
- 3 . Obbeh
- 4 . Bouwah
- 5 . Eyshoum
- ۶ . مجموعه مقالات مردم‌شناسی، دفتر دوم: ایلات و عشایر، انتشارات آگاه، چاپ اول ۱۳۶۲، ص ۱۰۱، کوچ نشینی در ایران، ص ۱۶۱
- ۷ . همان، ص ۴۳
- ۸ . جغرافیا و تاریخ چهار محال و بختیاری، کریم نیکزاد امیرحسینی، چاپ خانه‌ی گیتی، تهران ۱۳۳۱، ص ۱۶
- 9 . Dr.Elizabeth Macben ross
- 10 . Isabella bishop
- 11 . Fredrik barth, *nomads of south Persia*
- 12 . Barth, *Nomadism in the mountain*
- 13 . A.J.Christian, *A Report on the tribes of fars*
- ۱۴ . تاریخ سیاسی، اجتماعی بختیاری، پروفیسور جن رالف گارتویت، ترجمه‌ی مه‌راب امیری؛ نشر سپند، تهران: چاپ اول ۱۳۷۳، ص ۹
- 15 . D.F.Eickelman
- 16 . R.L.Tapper
- 17 . William knox D' Arcy
- 18 . *int.J.Middle east stud 3,24-44, Printed in Britain: Gene R.Gartwaite, The Bakhtiyari khans, The Government of Iran, And the British, 1846-1915*
- ۱۹ . ایلخان لقبی ترک است که از سوی قبایل ترک جهت دلالت بر ریاست یک قبیله مورد استفاده قرار می‌گیرد. در قرن نوزدهم، قاجاری‌ها نیز از این عنوان نامیدن سران قبایل، به ویژه خوانین بختیاری و قشقایی بهره بردند.
- 20 . sarhang abu'1 fath ozhan *Bakhtiyari, tarikh - Bakhtiyari* (Tehran, 1345/1967), PP 81-82 and 85
- ۲۱ . تاریخ سیاسی، اجتماعی بختیاری، ج.ر. گارتویت، ترجمه‌ی مه‌راب امیری، نشر سپند، تهران: ص ۸۵
- 22 - James outram